

بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور: یک پژوهش ملی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۱۱

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۹/۹

رضوان حکیمزاده *

حسین قربانی **

عباس ملکی ***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور است. جامعه آماری پژوهش، کلیه بزرگسالان بی‌سواد (۱۰ تا ۴۹ سال) و آموزش‌دهندگان کشور را در بر می‌گیرد. تعداد نمونه پژوهش در هر دو جامعه، ۳۸۴ نفر است که از چهار استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، گلستان و قم، از طریق روش نمونه‌گیری ترکیبی انتخاب شده است. روش و ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات عبارتند از: پرسشنامه، مستندات و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته. در این تحقیق برای محاسبه روایی آزمون، از روایی محتوایی و برای محاسبه پایایی آزمون، از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب پایایی ۰/۸۵ برای بی‌سوادان و ۰/۹۰ برای آموزش‌دهندگان برآورد شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون تی‌هیئتینگ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی، علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، انگیزش، هزینه‌های تحصیلی، قوانین سازمانی، مسائل زبان‌شناختی، هدف دوره، آگاهی سواد، محل اقامت، امکانات و زمان‌بندی، مسائل شغلی و خانوادگی و آگاهی از برنامه‌های سوادآموزی و از نظر آموزش‌دهنده‌ها به مؤلفه‌های: هدف دوره، امکانات و زمان‌بندی، انطباق دوره با اصول یادگیری بزرگسالان، ارزشیابی و بازخورد، محتوا، حمایت و پشتیبانی، مسائل زبان‌شناختی، قوانین سازمانی و محل اقامت مربوط می‌شود. افزون بر این، با بررسی مستندات و مشاهدات میدانی مشکلات بی‌سوادان در دو طبقه دسته‌بندی و پیشنهادهایی برای مرتفع کردن مشکلات و مسائل سوادآموزی کشور ارائه شده است.

واژگان کلیدی: عدم استقبال، دوره‌های سوادآموزی، بی‌سواد، مشکلات سوادآموزی.

۱. این پژوهش بخشی از یک پروژه با همین عنوان است که به سفارش سازمان نهضت سوادآموزی کشور انجام شده است.

* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران. Email: hakimzadeh@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری برنامه درسی دانشگاه اصفهان. Email: ghorbani37@ut.ac.ir

*** کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان دانشگاه تهران. Email: abbasmaleki@ut.ac.ir

الف) مقدمه

امروزه سواد دیگر به عنوان یک مهارت مطرح نیست، بلکه فعل و انفعالی از مهارت‌ها و منبعی پیچیده است که باعث می‌شود سوادآموز از انواع مفاد و متون، به ساخت معنی نایل آید (آنتاریو، ۲۰۰۴: ۵). برای سوادآموزی نباید یک نقطه پایان تصور کرد، بلکه سوادآموزی یک فرایند است؛ زیرا به واسطه سوادآموزی است که استفاده از فناوری‌های جدید، یادگیری زبان جدید و کسب مسئولیت‌های جدید برای انطباق با دنیای در حال تغییر میسر می‌شود. امروزه سواد، مهارتی بنیادی برای یادگیری نحوه یادگیری، یادگیری انجام کار، یادگیری زیستن و باهم زیستن تلقی می‌شود. با این نگاه، امروزه دیگر ریشه‌کنی بی‌سوادی^۲ هدف نیست، بلکه غایت امر سوادآموزی، مشارکت و درگیری افراد در یادگیری مادام‌العمر از طریق دسترسی همگانی به فرهنگ نوشتاری^۳ است. بنابر این، سواد به جای اینکه یک نوع آموزش پایه باشد، گذرگاهی برای یادگیری مادام‌العمر است. از طرفی، در قرن ۲۱ با تغییر مفهوم «آموزش»^۴ به مفهوم «یادگیری»^۵ (یونسکو، ۲۰۰۸: ۲۱)، سواد مفهوم کلی‌تری به خود گرفته و ماهیت و گستره سوادآموزی، از مفهوم سنتی خود (خواندن، نوشتن و محاسبه کردن) دستخوش نوعی بازتعریف در راستای نوعی توانایی در انجام کارآمد تکالیف و واکنش‌های انتقادی شده است (یونسکو، ۲۰۱۱). اما مسئله این است که به رغم تغییرات گسترده‌ای که در مبانی و مفاهیم سواد و سوادآموزی ایجاد شده است، امروزه بسیاری از کشورها با پدیده‌ای به نام «عدم استقبال»^۶ بزرگسالان از دوره‌های سوادآموزی^۷ مواجهند (یاکوب، ۲۰۰۴: ۲) و آن عبارت است از: پایین بودن تقاضای اجتماعی برای دریافت خدمات سوادآموزی (برنامه پنج‌ساله سوادآموزی ایران، ۱۳۸۹). بنابر این، سؤالی که طرح آن بسیار ضروری به نظر می‌رسد، این است که به رغم وجود و ارائه فعالیت‌ها و برنامه‌های سوادآموزی، چرا بی‌سوادان حاضر به شرکت در دوره‌های سوادآموزی نیستند؟

از طرفی، بررسی آمار بی‌سوادان کشور نشان می‌دهد که با وجود زحمات زیادی که برای مبارزه با بی‌سوادی طی سال‌های اخیر صورت پذیرفته، متأسفانه هنوز جامعه

1. Ontario.
2. Eradicating Illiteracy.
3. Written Culture.
4. Education.
5. Learning.
6. Unreception.
7. Jacob.





ما با میلیون‌ها نفر بی‌سواد روبه‌روست، که البته آمار مرتبط با جمعیت فعال کشور یا همان بزرگسالان بسیار قابل تأمل است. طبق گزارش سازمان نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۸۵، در ایران حدود ۹/۸۳۷/۹۳۷ بی‌سواد وجود داشته است که از این تعداد، ۲/۵۹۷/۷۲۸ نفر بزرگسال (۴۹-۱۰ سال) بوده‌اند. اما مطابق جدیدترین آمار ارائه شده از سوی نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۹۰، تعداد بی‌سوادانی که در گروه سنی ۴۹-۱۰ سال قرار دارند، ۳/۴۵۶/۱۸۱ نفر است که افزایش ۸۶۰/۵۴۳ نفری آمار بی‌سوادان را نسبت به سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

این آمارها نشان می‌دهد که نظام آموزش بزرگسالان در کشور با چالشی اساسی روبه‌روست و هنوز باید مسئله بی‌سوادی بزرگسالان را جزء مسائل کلان کشور تلقی کرد؛ چراکه با توجه به تلاش‌های به عمل آمده تا امروز، موفقیت قابل توجهی حاصل نشده است. از طرفی، در کنار مسئله اساسی ریشه‌کنی بی‌سوادی در کل جامعه، در حال حاضر بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از دوره‌های سوادآموزی و به طور ویژه گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال، از جمله دغدغه‌های اصلی سازمان نهضت سوادآموزی است. بنابر این، پژوهش حاضر بر آن است تا به طور دقیق علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی را بررسی کند.

ب) مبانی نظری پژوهش

امروزه مسئله عدم استقبال از دوره‌های آموزش بزرگسالان تنها محدود به کشورهای جهان سوم نیست، بلکه عدم استقبال، یک پدیده بین‌المللی است. دلایل عدم استقبال از دوره‌های آموزش بزرگسالان پیچیده، چندبعدی و اغلب تقلیل‌پذیر به یک مانع واحد نیست (یاکوب، ۲۰۰۴). بدین منظور، در راستای واکاوی ابعاد و گستره مسئله عدم استقبال، در ادامه، مدل‌ها و نظریه‌های عدم استقبال مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱. مدل تقاضا^۱

این مدل از مطالعات گسترده سوادآموزی بدر^۲ (۱۹۸۰) و کوتلر^۳ (۱۹۷۵) استخراج شده است. طبق این مدل، بزرگسالان وقتی در یک دوره آموزشی شرکت می‌کنند که ببینند

1. Demand Model.
2. Beder.
3. Kotler.

ارزش آنچه به دست می‌آورند از منابعی که صرف یادگیری می‌کنند بیشتر باشد. بنابر این، برای اینکه بزرگسالان به طور متداوم در دوره‌ها شرکت کنند، برنامه‌های سوادآموزی باید در برابر هزینه‌های مصرفی (مادی و معنوی)، انتفاعات بیشتری برای شرکت‌کنندگان داشته باشد. (کامینگز^۱ و همکاران، ۱۹۹۹)

۲. مدل پاسخ‌های زنجیره‌ای کراس^۲ (۱۹۸۱)

طبق این مدل، مشارکت بزرگسالان در فعالیتهای یادگیری عملی مجزا یا منفرد نیست، بلکه منتج از زنجیره پیچیده‌ای از پاسخ‌ها بر پایه ارزیابی موقعیت فرد از محیط خود اوست. در این مدل، خودارزیابی و نگرش فرد نسبت به آموزش از مهم‌ترین مفاهیم تلقی می‌شود؛ زیرا فرض بر این است که از طریق تصمیم‌گیری افراد مطابق این مؤلفه‌ها، می‌توان رفتار مشارکت‌جویانه بزرگسالان را به بهترین شکل فهمید. کراس در نهایت، موانع شرکت در دوره‌های سوادآموزی را بر مبنای سه متغیر تبیین کرده است که عبارتند از:

۱. عوامل موقعیتی: از موقعیت زندگی افراد منتج می‌شوند؛
۲. عوامل سازمانی: یادگیرندگان را از شرکت در فعالیتهای یادگیری منع و دلسرد می‌کند؛
۳. عوامل گرایش‌ی: به نگرش‌ها و خودآگاهی یادگیرندگان مربوط می‌شوند. (استاو^۳ و همکاران، ۱۹۹۹)

۳. پارادایم رابینسون^۴ (۱۹۹۷)

کانون توجه این مدل به جای مؤلفه‌های ساختاری، اجزای ادراکی موجود در زندگی افراد است. بنابر این، مشارکت حاصل فعل و انفعال متقابل متغیرهای فردی و محیطی است. متغیرهای فردی عبارتند از: تجارب پیشین، ویژگی‌های فردی و نیازهای متداول. متغیرهای محیطی نیز عبارتند از: درجه ساختارهای سلسله‌مراتبی زندگی افراد، هنجارها و ارزش‌های افراد و گروه‌های مرجع و امکانات آموزشی در دسترس. این متغیرهای دوگانه، خود تشریح‌کننده رفتار نیستند، بلکه از طریق واکنش‌های افراد به این متغیرها، رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این واکنش‌ها نیز برخاسته از متغیرهای میانجی‌اند. متغیرهای میانجی عبارتند از: آمادگی فعال، درک و تفسیر محیط و تجربه مرتبط با

1. Comings.
2. Chain-of-Response Model Cross.
3. Stowe.
4. Rubenson's Paradigm.



نیازهای فردی. متغیرهای میانجی نیز به طور متقابل با هر کدام از ارزش فعالیت آموزشی درک شده (ارزش) و توانایی شرکت در فعالیت‌ها یا سودمندی فعالیت‌ها (انتظار) رفتار را تعیین می‌کنند. بنابر این، این پارادایم بعضی اوقات رویکرد ارزش-انتظار^۱ نیز نامیده می‌شود. (همان)

۴. مدل اثر متقابل روانی - اجتماعی دارکن‌ولد و مریام^۲ (۱۹۸۲)

این مدل، رفتار مشارکت‌جویانه را به‌عنوان مجموعه‌ای از واکنش‌های درونی و بیرونی انگیزاننده تلقی کرده، وضعیت اجتماعی - اقتصادی را به‌عنوان نیرومندترین عامل در تعیین رفتار مشارکت‌جویانه بزرگسالان تعریف می‌کند. در این مدل، عناصر نهایی که به عنوان موانع مشارکت در نظر گرفته می‌شوند عبارتند از: موانع وضعیتی، سازمانی، روانی - اجتماعی و اطلاعاتی. دارکن‌ولد و همکارانش در ادامه پژوهش‌های خود، توانستند مقیاس موانع مشارکت^۳ را طراحی کنند. این مقیاس، شش عنصر کلیدی را به عنوان عوامل بازدارنده تعریف کرده است که عبارتند از: نبود اعتماد به نفس، نبود دوره‌های مرتبط سوادآموزی، محدودیت‌های زمانی، اولویت فردی کم، هزینه و محدودیت‌های فردی و خانوادگی. (همان: ۳۴)

۵. نظریهٔ تجانس^۴

این نظریه پردازان معتقدند عدم مشارکت وقتی ایجاد می‌شود که بین نیازهای فراگیران، اهداف، ماهیت برنامه‌های آموزش بزرگسالان و محیط آموزشی تجانس و همخوانی وجود نداشته باشد. از این رو، نتایج برنامه‌های آموزش بزرگسالان باید با نیازهای واقعی فراگیران بزرگسال همخوانی داشته باشد تا دوره‌ها برای آنها رضایت‌بخش باشد. (یاکوب، ۲۰۰۴: ۷۹)

۶. نظریهٔ میدان نیرو^۵

طبق این نظریه، بزرگسالان در صورتی در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند که معتقد باشند می‌توانند یاد بگیرند و متعاقباً نتایج یادگیری را در نیازهای شخصی خود ببینند. در همین راستا، طبق نتایج تحقیق ادوارد^۶ و همکاران (۱۹۹۳) بزرگسالان مسن‌تر

1. Expectancy-Valence Approach.
2. Darken Wald and Merriam Psychosocial Interaction Model.
3. Deterrents to Participation Scale.
4. Congruence.
5. Force Field.
6. Edwards.



در مقایسه با جوان‌ترها کمتر در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند و این در بین مردان نسبت به زنان بیشتر صادق است. همچنین طبق تحقیق داو^۱ (۲۰۰۲) بزرگسالان بنا به دلایلی، مانند زمان و پول کافی نداشتن و مشکلات پرستاری از فرزندان، در دوره‌های آموزشی شرکت نمی‌کردند و چون محیط یادگیری نایمن است، آنها اغلب در یادگیری با مشکل مواجه می‌شدند. (یاکوب، ۲۰۰۴: ۸۱)

ج) پیشینه پژوهش

علاوه بر مدل‌ها و نظریه‌هایی که مطرح شد، تحقیقات زیادی پیرامون مسئله عدم استقبال یا عدم مشارکت بزرگسالان از دوره‌ها انجام شده است (گوارامادر^۲، ۲۰۰۷؛ والنتن و دارکن‌ولد^۳، ۱۹۹۰؛ اسکلن^۴، ۱۹۸۶؛ بدر، ۱۹۹۰؛ فیشر^۵، ۱۹۸۳؛ کراس، ۱۹۸۱؛ فاگن^۶، ۱۹۹۱؛ هایز^۷، ۱۹۸۸؛ کرکا^۸، ۱۹۸۶؛ ماتریندا^۹، ۱۹۸۹)، اما مسئله قابل تأمل در نتایج این پژوهش‌ها، تنوع و گستردگی علل عدم استقبال است. در ادامه برای روشن‌سازی این مهم به برخی از نتایج تحقیقات انجام شده در ایران و جهان اشاره خواهد شد.

صادق‌پور (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از کلاس‌های سوادآموزی مقدماتی از دیدگاه آموزشیاران نهضت سوادآموزی شرق تهران»، عدم اطلاع از فعالیت‌های سوادآموزی، اهمیت قائل نشدن به سواد، مشغله‌های زندگی و عدم تسلط آموزشیار به امر تدریس را به عنوان علل عدم استقبال بی‌سوادان از کلاس‌های سوادآموزی ذکر کرده است.

انصاری (۱۳۸۷) در پژوهش خود، نداشتن انگیزه، کهولت سن، نداشتن وقت کافی، احساس ناتوانی در یادگیری مطالب مؤثر و شرمندگی از افراد خانواده، نداشتن تسلط به زبان فارسی، خجالت کشیدن از سایر باسوادان کم سن و سال و مشکلات جسمی را به عنوان عوامل مؤثر بر شرکت نکردن بزرگسالان بی‌سواد در کلاس‌های سوادآموزی ذکر کرده است.

1. Doe.
2. Gvaramadze.
3. Valentine and Darken Wald.
4. Scanlan.
5. Fisher.
6. Fagan.
7. Hayes.
8. Kerka.
9. Martindale.



تیموری (۱۳۸۲) در تحقیقی که به منظور بررسی علل عدم حضور بی‌سوادان استان گلستان در کلاس‌های سوادآموزی انجام داد؛ نامناسب بودن زمان برگزاری کلاس‌ها، مکان نامناسب در نظر گرفته شده، نبود مدارس مخصوص نهضت، تشکیل نشدن کلاس‌ها به طور منظم، تعداد روزهای زیاد تشکیل کلاس‌ها، مشغله کاری، خانه‌داری، عدم تبلیغات و مراقبت از فرزندان را به عنوان مهم‌ترین علل عدم استقبال از کلاس‌های سوادآموزی ذکر کرده است.

کالینز (۲۰۱۱) در ویسکانسین شمالی پژوهشی را با هدف تشخیص عوامل انگیزشی و موانع مشارکت بزرگسالان در دوره‌های آموزشی انجام داد. وی موانع موقعیتی، سازمانی، گرایشی و عوامل انگیزشی درونی و بیرونی را مورد بررسی قرار داد. نتایج این تحقیق نشان داد فاصله بین خانه و محل تحصیل، هزینه دوره‌ها و ندانستن آنچه باید آموخته شود، موانع اصلی مشارکت بوده است. همچنین توسعه شغلی و رویدادهای اصلی زندگی نقش کلیدی در انگیزه دادن به بزرگسالان برای شرکت و پیگیری در دوره‌ها را داشته است.

لارسون و میلانا^۲ (۲۰۰۶) در دانمارک، تحقیقی را با هدف بررسی موانع مشارکت در دوره‌های آموزش بزرگسالان انجام دادند. این محققان پس از تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدند که پنج عامل فقدان زمان و انرژی، نگرش منفی نسبت به یادگیری دوباره، امکان دسترسی به فعالیت‌های یادگیری، فقدان پشتیبانی و اطمینان نداشتن از توانایی‌های، موانع اصلی مشارکت در دوره‌های آموزشی بزرگسالان بوده است.

بادارد و رابینسون^۳ (۲۰۰۳) در آمریکا، با هدف بررسی عوامل اصلی تعیین‌کننده مشارکت بزرگسالان در دوره‌های آموزشی، دو عامل اصلی شامل (۱) خانواده؛ مشتمل بر: تحصیلات والدین، موقعیت زبانی، حصول یا امکان یادگیری، کارایی سواد و (۲) شغل؛ مشتمل بر: فشارهای کاری، موقعیت کاری، تجارب کاری، وسعت شرکت یا سازمان، استفاده از سواد در حین کار و درآمد افراد را مورد مطالعه قرار دادند. طبق نتایج این تحقیق، «حصول یا امکان یادگیری»، مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده مشارکت در دوره‌های آموزشی بوده است. نتیجه دیگر این تحقیق این بود که رابطه معنادار قوی‌ای بین «استفاده از مهارت‌های سواد در محیط کار» و مشارکت در دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی بزرگسالان وجود داشته است.

1. Collins.

2. Larson & Milana.

3. Boudard & Rubenson.

لیندا و جساپ^۱ (۲۰۰۰) در کانادا، پژوهشی را با هدف بررسی موانع مشارکت بزرگسالان در برنامه‌های سوادآموزی انجام دادند. طبق نتایج این تحقیق، عدم مشارکت بزرگسالان با شش متغیر، شامل دوست نداشتن تحصیل، عوامل مرتبط با درون کلاس، موانع موقعیتی، درک کم از نیازمندی‌ها، موانع روانی - اجتماعی و عوامل مرتبط با خارج از کلاس ارتباط معناداری داشته است.

اسکانلن^۲ (۱۹۸۶) در کلمبیا، پژوهشی با هدف بررسی موانع عدم مشارکت بزرگسالان در برنامه‌های آموزشی انجام داد. نتایج این پژوهش موجب استخراج ۹ مؤلفه به عنوان موانع مشارکت بزرگسالان شد که عبارتند از: مشکلات مرتبط با خانه، خانواده و افراد، هزینه و عدم حمایت‌های مالی، درک منفی نسبت به آموزش، نبود انگیزش، نبود اعتمادبه نفس، احساس جدایی از آموزش‌ها و ناهمسازی زمان و مکان برگزاری دوره‌ها.

د) مبنای اجرای تحقیق

در راستای تلخیص نتایج پژوهش‌های ملی و بین‌المللی مرتبط با علل عدم استقبال از دوره‌های سوادآموزی، به طور کلی می‌توان گفت که افراد در گستره سوادآموزی با پنج طیف از موانع مواجهند که عبارتند از: ۱) موانع موقعیتی (منتج از شرایط یادگیری و زندگی جاری سوادآموزان)، ۲) موانع سازمانی (منتج از سیاست‌ها و اعمال درون سازمانی و ساختاری)، ۳) موانع نگرشی (مرتبط با ارزش‌ها و گرایش‌های سوادآموزان)، ۴) موانع آکادمیک (مرتبط با پتانسیل‌های بزرگسالان در یادگیری مطالب)، ۵) موانع پداگوژیک (مرتبط با فرایندهای آموزشی، روش‌های تدریس و به طور ویژه آنچه در جریان یاددهی - یادگیری و محیط آموزشی اتفاق می‌افتد). (نانا، ۲۰۱۰: ۳)

در باب نتیجه‌گیری، باید اذعان داشت که با وجود تفاوت در بافت نظری، جهت‌گیری روانی - اجتماعی پژوهش‌ها، کاربری مدل‌ها، پارادایم‌ها و نظریه‌های مشارکت، همه آنها بر سر دو فرضیه عمومی اتفاق نظر دارند. نخست اینکه، رفتار مشارکت‌جویانه عملکردی است حاصل تعامل بین متغیرهای تعیین‌کننده فردی و محیطی و دوم، برخی از این متغیرها با تأثیرگذاری متقابل بر هم، باعث افزایش یا کاهش احتمال مشارکت می‌شوند

1. Linda and Jessup.
2. Scanlan.
3. Nana.



(اسکانلن، ۱۹۸۶: ۱۳). از این رو، دلایل عدم مشارکت در دوره‌های آموزش بزرگسالان پیچیده و چندبعدی و اغلب تقلیل‌پذیر به یک مانع واحد نیست. نتایج بسیاری از تحقیقات مبین این است که عدم مشارکت حاصل فعل و انفعال متقابل عوامل بیرونی (محیطی، اجتماعی، فرهنگی، مالی، موقعیتی، سازمانی) و عوامل درونی (شخصی و گرایش‌ی) است (یاکوب، ۲۰۰۴). به زعم مک‌گیوانی (۱۹۹۰) به دلیل گستردگی، تنوع و پیچیدگی آموزش بزرگسالان، مشارکت به مفهومی ناممکن و نزولی تبدیل شده است. به همین دلیل، یک نظریه واحد قادر به تبیین فرایند مشارکت یا عدم مشارکت نیست. (راب، ۲۰۰۱) با توجه به نکات پیش‌گفته، پژوهش حاضر بر آن است تا با اتخاذ رویکردی کل‌گرا و ترکیبی، از نظر آموزش‌دهنده‌ها و افراد واجد شرایط سوادآموزی^۳، علل زمینه‌ای^۴، گرایش‌ی^۵، آموزشی^۶ و سازمانی^۷ عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی را در کشور بررسی کند. بنابر این، در این تحقیق سعی شده است به طور مشخص به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱. از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی، علل زمینه‌ای، گرایش‌ی، آموزشی و سازمانی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی چه می‌باشند؟
۲. از نظر آموزش‌دهنده‌ها علل زمینه‌ای، آموزشی و سازمانی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی چه می‌باشند؟

ه) روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات آمیخته است. جامعه آماری تحقیق حاضر مشتمل است بر: (۱) آموزش‌دهنده‌ها: شامل کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط است که به صورت داوطلبانه یا در قبال دریافت حق‌الزحمه، مسئولیت جذب، ثبت‌نام و آموزش سواد را در چارچوب ضوابط سازمان نهضت

1. McGivney.

2. Rob.

۳. در این پژوهش افراد واجد شرایط سوادآموزی مشتمل است بر کلیه بی‌سوادانی که تا سال ۱۳۹۰ در برنامه‌های سوادآموزی شرکت نکرده‌اند و افرادی که به طور منقطع برنامه‌ها را پیگیری کرده و پس از مدتی دوره‌ها را ترک کرده‌اند و از حداقل سواد محرومند.

4. Situational.

5. Dispositional.

6. Educational.

7. Institutional.



سوادآموزی بر عهده دارند. ۲) بزرگسالان بی‌سواد: شامل کلیه افرادی است که در سال ۱۳۹۰ بر اساس آمار نهضت سوادآموزی فاقد حداقل سواد^۱ بوده و در گستره سنی ۱۰ تا ۴۹ سال قرار دارند (سالنامه آماری نهضت سوادآموزی، ۱۳۹۰). از جامعه اول که آمار کلی آن به دلیل شناور بودن در دسترس نبود^۲، حداکثر تعداد نمونه؛ یعنی ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شد که از این تعداد، ۲۹۸ نفر زن و ۸۶ نفر مرد بودند. همچنین از جامعه دوم با استناد به آخرین آمار نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۹۰ که تعداد کل بی‌سوادان کشور را ۳/۴۵۶/۱۸۱ اعلام کرده است، تعداد ۳۸۴ نمونه با استفاده از جدول مورگان انتخاب شد که از این تعداد، ۲۹۰ نفر زن و ۹۴ نفر مرد و بر اساس قومیت: ۹۲ نفر فارس، ۸۰ نفر ترک، ۷۳ نفر کرد، ۵۹ نفر ترکمن و ۸۰ نفر بلوچ بودند.

روش نمونه‌گیری پژوهش، از نوع ترکیبی است. در این تحقیق یک مرحله نمونه‌گیری خوشه‌ای، یک مرحله نمونه‌گیری تصادفی و دو مرحله نمونه‌گیری هدفمند وجود داشت. به این ترتیب که نخست استان‌های کشور بر مبنای درصد بی‌سوادی به چهار خوشه، شامل: خوشه یک که استانهای برخوردار نامیده می‌شوند (با ۰ تا ۴ درصد بی‌سوادی)، خوشه دو که استانهای نسبتاً برخوردارند (با ۴ تا ۸ درصد بی‌سوادی)، خوشه سه که استانهای نسبتاً محروم می‌باشند (با ۸ تا ۱۲ درصد بی‌سوادی) و خوشه چهار که استانهای محروم کشورند (با ۱۲ تا ۱۶ درصد بی‌سوادی) تقسیم‌بندی شد. در ادامه به طور هدفمند و در راستای اهداف پژوهش، در هر استان، شهرستان‌هایی که از سطح بی‌سوادی بیشتری برخوردار بودند انتخاب شدند. در مرحله بعد با مراجعه به مراکز نهضت سوادآموزی در شهرستانها و مناطق مربوطه، از مسئولان نهضت خواسته شد تا آموزش‌دهندگان و بی‌سوادانی که به نوعی فکر و اندیشه آنها می‌تواند در رسیدن به اهداف تحقیق کمک‌کننده باشد معرفی کنند. در ادامه آموزش‌دهندگان معرفی شده توسط مسئولان نهضت به یک جلسه دعوت شده و در آن جلسه پس از توضیح درباره موضوع تحقیق انتظارات محقق از آنها مطرح و پرسشنامه تحقیق در اختیار آنها قرار گرفت و پس از تکمیل از آنها تحویل گرفته شد. اما فرایند پاسخگویی بی‌سوادان به پرسشنامه

۱. عبارت است از توانایی خواندن، نوشتن و حساب کردن، درک و فهم متون ساده به زبان فارسی و کسب مهارت‌های اولیه روخوانی قرآن.
۲. مطابق سیاست‌های آموزشی سازمان نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۹۰ و اجرائی کردن آموزش فرد به فرد، چون کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط می‌توانند به امر سوادآموزی بپردازند و از طرفی، به دلیل فرایند بسیار انعطاف‌پذیر این شیوه یادگیری (در جهت انطباق با شرایط هر فرد و هر منطقه)، دوره‌های متفاوت سوادآموزی هم از نظر نوع (شامل دوره سوادآموزی، دوره انتقال و دوره تحکیم) و هم از نظر مدت دوره‌های مذکور، امکان به دست آوردن تعداد دقیق آموزش‌دهنده‌ها در یک مدت زمانی وجود ندارد.



به این شکل بود که با اخذ اسامی بی سوادان معرفی شده توسط مسئولان نهضت، محققان به همراهی یکی از مسئولان نهضت یا آموزش دهنده‌ها بر حسب شرایط، یا در مکان تشکیل کلاسهای سوادآموزی، یا در اداره نهضت سوادآموزی یا با رفتن به منازل شخصی بی سوادان، سؤالات مطرح و پاسخ مقتضی اخذ شد. اطلاعات تفصیلی مشارکت کننده‌ها بر مبنای استان و شهرستان در جدول ۱ به تفکیک ارائه شده است.

و) ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه بی سوادان: این ابزار مشتمل است بر متغیرهای آموزشی، زمینه‌ای، سازمانی و گرایشی که در قالب ۶۸ سؤال و بر مبنای مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته تدوین شده است.

جدول ۱: تعداد نمونه بر اساس استان و شهرستان‌ها

استان	شهرستان	تعداد بیسوادان	تعداد آموزش دهندگان
گلستان	گرگان	۲۰	۱۸
	آق قلا	۱۷	۲۴
	بندر ترکمن	۲۱	۱۵
	مراوه تپه	۲۱	۲۰
	گنبد	۱۷	۱۹
سیستان و بلوچستان	زاهدان	۱۶	۱۴
	زابل	۱۴	۱۸
	زهک	۱۷	۱۴
	خاش	۱۷	۱۹
	ایرانشهر	۱۳	۲۰
آذربایجان غربی	چابهار	۱۹	۱۱
	ارومیه	۲۰	۲۰
	خوی	۲۲	۱۵
	سلماس	۱۹	۱۸
	بوکان	۱۷	۲۲
قم	مهاباد	۱۸	۲۱
	خلجستان	۲۹	۳۲
	شیخ آباد	۳۳	۲۸
	ناحیه ۱ و ۲	۳۴	۳۶



فرایند پاسخگویی بی‌سوادان به پرسشنامه به این صورت بود که اگر بی‌سوادان قادر به تکلم به زبان فارسی نبودند، محققان به همراهی یکی از مسئولان نهضت همان منطقه، یا آموزش‌دهندگان بی‌سوادان مربوطه، سؤالات را مطرح و پاسخ مقتضی را اخذ می‌کردند.

۲. پرسشنامه آموزش‌دهنده‌ها: این ابزار مشتمل است بر متغیرهای آموزشی، زمینه‌ای و سازمانی که در قالب ۳۳ سؤال تدوین شده است. همچنین با طرح سه سؤال بازپاسخ از آموزش‌دهنده‌ها خواسته شده است تا نظرات کلی خود را در راستای اهداف پژوهش ایراد کنند.

۳. مشاهدات میدانی و بررسی مستندات: در این سطح، محقق در مراکز، منازل و اماکنی که دوره‌های سوادآموزی در آنجا تشکیل شده است، حضور یافته و اسناد و مدارک مربوط را بررسی کرده است.

روایی و پایایی ابزار

در این تحقیق برای محاسبه روایی آزمون، از روایی محتوایی استفاده شده است. بنابر این، کفایت، کمیت و کیفیت سؤالات پرسشنامه با تأیید چند تن از اساتید و مسئولان نهضت سوادآموزی به مرحله اجرا رسیده است. همچنین برای محاسبه پایایی آزمون، یک نمونه اولیه پیش‌آزمون شد؛ بدین صورت که پس از تدوین و تنظیم پرسشنامه، به مراکز استان اصفهان (شامل شهرستان‌های سمیرم و شهرضا و نواحی ۴ و ۶ در شهر اصفهان) و استان مرکزی (شامل شهرستان‌های کمیجان و خنداب و نواحی ۱ و ۲ در شهرستان اراک) مراجعه و به تناسب، یک نمونه ۶۰ نفری از هر کدام از گروه‌های بی‌سوادان و آموزش‌دهندگان به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار آماری spss مقدار ضریب پایایی ۰/۸۵ برای بی‌سوادان و ۰/۹۰ برای آموزش‌دهندگان برآورد شد.

ز) یافته‌های پژوهشی

۱. از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی، علل زمینه‌ای، گرایش، آموزشی و سازمانی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی چه می‌باشند؟
برای آزمون سؤال نخست و کسب پاسخ مناسب، از آزمون تی‌هیئت‌لینگ استفاده شد



که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: مقایسه نتایج آزمون تی هیتلینگ از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی

متغیرها	مؤلفه‌ها	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						مقدار پایین‌تر	مقدار بالاتر
علل آموزشی	هدف دوره	۴۱,۵۰۷	۳۸۳	۰۰۰.	۱۲,۵۰۷۶۳	۱۱,۹۱۴۳	۱۳,۱۰۱۰
	مسائل زبان‌شناختی	۴۶,۴۱۶	۳۸۳	۰۰۰.	۷,۷۲۵۱۹	۷,۳۹۷۵	۸,۰۵۲۹
	محتوا	۳۴,۴۵۱	۳۸۳	۲۱۱.	۵,۰۹۵۴۲	۴,۸۰۳۳	۵,۳۸۷۵
	روش تدریس	۳۱,۶۴۱	۳۸۳	۱۴۶.	۵,۹۴۶۵۶	۵,۵۷۶۵	۶,۳۱۶۶
علل سازمانی	ویژگی‌های مدرسین	۳۷,۸۴۳	۳۸۳	۰۸۵.	۶,۱۸۷۰۲	۵,۸۶۵۱	۶,۵۰۹۰
	قوانین سازمانی	۴۸,۸۹۱	۳۸۳	۰۰۰.	۱۰,۰۰۳۸۲	۹,۶۰۰۹	۱۰,۴۰۶۷
	هزینه‌های تحصیلی	۵۰,۳۵۷	۳۸۳	۰۰۰.	۱۰,۰۸۳۹۷	۹,۶۸۹۷	۱۰,۴۷۸۳
	آگاهی از برنامه‌ها	۴۰,۲۲۵	۳۸۳	۰۰۰.	۸,۸۱۶۷۹	۸,۳۸۵۲	۹,۲۴۸۴
علل زمینه‌ای	امکانات و زمانبندی	۳۰,۵۸۶	۳۸۳	۰۰۰.	۹,۲۸۶۲۶	۸,۶۸۸۴	۹,۸۸۴۱
	کاربری آموزه‌ها	۹۵,۰۳۰	۳۸۳	۰۸۷.	۴,۸۸۵۰۶	۴,۳۱۴۹	۵,۴۵۵۲
	محل اقامت	۳۸,۸۸۳	۳۸۳	۰۰۰.	۱۱,۵۱۵۳۷	۱۰,۹۳۳۱	۱۲,۰۹۸۴
	مسائل شغلی و خانوادگی	۲۸,۰۵۲	۳۸۳	۰۰۰.	۷,۳۸۵۵۰	۶,۸۶۷۱	۷,۹۰۳۹
علل گرایشی	اقلیت‌های قومی	۵۳,۳۷۳	۳۸۳	۱۰۵.	۶,۴۸۴۷۳	۶,۲۴۵۵	۶,۷۲۴۰
	انگیزش	۷۳,۸۹۱	۳۸۳	۰۰۰.	۵۳,۰۵۷۴۷	۵۰,۶۷۰۲	۵۳,۴۴۴۸
	آگاهی سوادی	۴۰,۲۲۵	۳۸۳	۰۰۰.	۸,۸۱۶۷۹	۸,۳۸۵۲	۹,۲۴۸۴
	مسئولیت‌پذیری	۸۶,۴۶۱	۳۸۳	۰۰۰.	۲۵,۵۶۴۸۹	۲۴,۹۸۱۷	۲۶,۱۴۷۱

با توجه به مقایسه نظرات ارائه شده در جدول ۲، داده‌های به دست آمده در رابطه با علل آموزشی، سازمانی، زمینه‌ای و گرایشی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی، مشخص می‌کنند که از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی، غیر از مؤلفه‌های «محتوا، روش تدریس، ویژگی‌های مدرسین، کاربری آموزه‌ها^۱ و اقلیت‌های قومی»، همه مؤلفه‌های ارائه شده در جدول ۲ در سطح $a=0/05$ معنادار شده است. بنابر این، می‌توان به این نتیجه رسید که افراد واجد شرایط سوادآموزی، غیر از مؤلفه‌های «محتوا، روش تدریس، ویژگی‌های مدرسین^۲، کاربری آموزه‌ها و اقلیت‌های قومی»، همه مؤلفه‌های ارائه شده در جدول ۲ را جزء علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی می‌دانند. از طرفی، طبق نتایج جدول ۲ می‌توان به این نتیجه رسید که از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی، مهم‌ترین علل تأثیرگذار در عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی

۱. عبارت است از اینکه آنچه آموزش‌گیرندگان در دوره‌های سوادآموزی یاد می‌گیرند، استفاده‌ای برای آنها دارد یا خیر و در چه موقعیت‌هایی می‌توانند از این آموخته‌ها استفاده کنند.

۲. تناسب اخلاق و رفتار آموزشیاران، تسلط به مباحث مورد تدریس و توانایی آنها در مشارکت دادن بی‌سوادان در حین تدریس.

به ترتیب به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری^۱، انگیزش، هزینه‌های تحصیلی^۲، قوانین سازمانی^۳، مسائل زبان‌شناختی^۴، هدف دوره، آگاهی سواد^۵، محل اقامت، امکانات و زمان‌بندی، مسائل شغلی و خانوادگی، آگاهی از برنامه‌های سوادآموزی، ویژگی‌های مدرّسین، کاربری آموزه‌ها، اقلیت‌های قومی، روش تدریس و محتوا مربوط می‌شود.

۲. از دید آموزش‌دهندگان، علل زمینه‌ای، آموزشی و سازمانی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی چه می‌باشد؟
برای آزمون سؤال دوم و کسب پاسخ مناسب، از آزمون تی‌هیئتینگ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: مقایسه آزمون تی هیئتینگ از نظر آموزش‌دهنده‌ها

متغیرها	مؤلفه‌ها	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						مقدار بالاتر	مقدار پایین‌تر
علل آموزشی	هدف دوره	۷۷,۹۶۶	۳۸۳	۰۰۰	۱۶,۲۳۳۷۷	۱۵,۸۲۳۵	۱۶,۶۴۴۰
	محتوا	۶۰,۲۲۲	۳۸۳	۰۰۰	۱۱,۱۱۲۵۵	۱۰,۷۴۹۰	۱۱,۴۷۶۱
	مسائل زبان‌شناختی	۵۳,۱۱۵	۳۸۳	۰۰۰	۹,۷۰۹۹۶	۹,۳۴۹۸	۱۰,۰۷۰۲
	ارزیابی و بازخورد	۶۱,۸۱۷	۳۸۳	۰۰۰	۹,۴۸۰۵۲	۹,۱۷۸۳	۹,۷۸۲۷
	انطباق دوره با اصول یادگیری بزرگسالان	۶۴,۸۱۳	۳۸۳	۰۰۰	۱۴,۳۶۳۶۴	۱۳,۹۲۷۰	۱۴,۸۰۰۳
علل سازمانی	قوانین سازمانی	۵۱,۵۴۹	۳۸۳	۰۰۰	۷,۷۹۲۳۱	۷,۴۹۴۴	۸,۰۹۰۰
	حمایت و پشتیبانی	۵۸,۲۶۵	۳۸۳	۰۰۰	۹,۹۸۷۰۱	۹,۶۴۹۳	۱۰,۳۲۴۷
علل زمینه‌ای	امکانات و زمان‌بندی	۶۶,۲۳۸	۳۸۳	۰۰۰	۱۴,۱۰۸۲۳	۱۳,۶۸۸۶	۱۴,۵۲۷۹
	محل اقامت	۴۸,۹۷۶	۳۸۳	۰۰۰	۷,۳۴۱۹۹	۷,۰۴۶۶	۷,۶۳۷۴
	اقلیت‌های قومی	۳۴,۲۸۶	۳۸۳	۵۳۲	۲,۹۰۸۷۰	۲,۷۴۱۵	۳,۰۷۵۹

با توجه به مقایسه نظرات ارائه شده در جدول ۳، داده‌های به دست آمده در رابطه با علل زمینه‌ای، آموزشی و سازمانی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی، مشخص می‌شود که از نظر آموزش‌دهنده‌ها غیر از مؤلفه اقلیت‌های قومی، همه مؤلفه‌ها

۱. یک الزام و تعهد درونی از سوی سوادآموز در انجام دادن فعالیت‌های مفید؛ مانند مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و کمک به دیگران.
۲. مجموعه هزینه‌هایی که آموزش‌گیرندگان برای شرکت در کلاس‌های سوادآموزی متقبل می‌شوند.
۳. حمایت مادی و معنوی سازمان نهضت سوادآموزی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌ها و وجود قوانین حمایت‌کننده و نظارت بر فرایند سوادآموزی از سوی مسئولان.
۴. مسائل مرتبط با نوع زبان و گویش آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده؛ مانند ناتوانی در صحبت کردن به زبان فارسی یا عدم علاقه به یادگیری زبان فارسی.
۵. فهم افراد نسبت به مفهوم سواد؛ مانند اطلاع از مزایا و انتفاعات سوادآموزی و آگاهی از هدف سوادآموزی.



در سطح $a=0/05$ معنادار شده است. بنابر این، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌دهنده‌ها غیر از مؤلفه اقلیت‌های قومی، همه مؤلفه‌های ارائه شده در جدول ۳ را جزء علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی می‌دانند. از طرفی، طبق نتایج جدول ۳ می‌توان به این نتیجه رسید که از نظر آموزش‌دهنده‌ها، مهم‌ترین علل تأثیرگذار در عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی به ترتیب به مؤلفه‌های هدف دوره، امکانات و زمان‌بندی، انطباق دوره با اصول یادگیری بزرگسالان، ارزشیابی و بازخورد، محتوا، حمایت و پشتیبانی، مسائل زبان‌شناختی، قوانین سازمانی، محل اقامت و اقلیت‌های قومی مربوط می‌شود.

ح) بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور بود. در بررسی سؤال اول پژوهش، مشاهدات میدانی، بررسی مستندات و نتایج تحلیل آزمون تی‌هیپتلینگ در زمینه تشخیص علل سازمانی، زمینه‌ای، آموزشی و گرایشی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی از نظر افراد واجد شرایط سوادآموزی، نشان می‌دهد که در تحلیل علل سازمانی مواردی چون: عدم حمایت مادی و معنوی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌ها، عدم وجود قوانین حمایت‌کننده و عناصر تشویقی، منقطع و ناپیوسته بودن برنامه‌های سوادآموزی، هزینه شرکت در کلاس‌ها، نبود امکانات و تجهیزات کمک آموزشی و نامناسب بودن مکان و فضای برگزاری کلاس‌ها؛ در تحلیل علل زمینه‌ای مواردی چون: مسافت زیاد بین محل زندگی و مکان برگزاری کلاس‌ها، ثابت نبودن سکونت بی‌سوادان در یک محل یا منطقه خاص، مشکلات حمل و نقل و مسائل مربوط به ایاب وذهاب، مخالفت خانواده، خانه‌داری و بچه‌داری و مشغله کاری زیاد؛ در تحلیل علل آموزشی مواردی چون: دشواری و مشکلات در یادگیری و انجام محاسبات ریاضی و روخوانی قرآن، ناتوانی در صحبت کردن به زبان فارسی و تفاوت‌های زبانی آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده در فرایند تدریس؛ در تحلیل علل گرایشی مواردی چون: کاربری نداشتن آموخته‌ها در زندگی واقعی، نگاه منفی نسبت به سوادآموزی، عدم آگاهی نسبت به مزایا و انتفاعات سوادآموزی، عدم آگاهی بی‌سوادان از نیازمندی‌ها و الزامات جامعه، منزوی بودن بی‌سوادان در اجتماع، بهبود نیافتن وضعیت

زندگی و حل نشدن مشکلات روزمره بی‌سوادان با شرکت در کلاس، جزء علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی است. بررسی نتایج مربوط به سؤال اول پژوهش نشان می‌دهد که یافته‌های مربوط به علل سازمانی، آموزشی، زمینه‌ای و گرایشی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور با پژوهش‌های کالینز (۲۰۱۱)، صادق‌پور (۱۳۸۷)، اسکانلن (۱۹۸۶)، تیموری (۱۳۸۲)، انصاری (۱۳۸۷)، بادارد و رایبسون (۲۰۰۳) همسو می‌باشد و نتایج پژوهش‌های آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد.

همچنین، در بررسی سؤال دوم پژوهش، مشاهدات میدانی، بررسی مستندات و نتایج تحلیل آزمون تی‌هیتلینگ، در زمینه تشخیص علل زمینه‌ای، سازمانی و آموزشی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی از نظر آموزش‌دهنده‌ها، نشان می‌دهد که در تحلیل علل زمینه‌ای مواردی چون: محدودیت‌هایی قومی-زبانی در برخی از مناطق، فاصله زیاد بین محل زندگی و مکان تشکیل کلاس‌ها و ثابت نبودن محل سکونت بی‌سوادان در یک محل یا منطقه خاص؛ در تحلیل علل سازمانی مواردی چون: عدم حمایت مادی و معنوی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌ها، عدم وجود قوانین حمایت‌کننده و عناصر تشویقی برای شرکت کردن در دوره‌های سوادآموزی، عدم پیوستگی و نامنظم بودن برنامه‌های آموزشی، عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌هایی که می‌توانند به نحوی در فرایند سوادآموزی نقش داشته باشند، عدم نظارت بر فرایند سوادآموزی از سوی مسئولان، عدم تناسب مکان و فضای برگزاری دوره‌ها، عدم وجود امکانات و تجهیزات کمک آموزشی مناسب در دوره‌ها؛ در تحلیل علل آموزشی مواردی چون: دشوار بودن کتب یادگیری مهارت‌های پایه سواد، دشوار بودن کتب ریاضی، انطباق نداشتن محتوا با نیازهای عملی و کاربردی بی‌سوادان، انگیزه بخش نبودن محتوا، فقدان ملاک‌های مشخص و روشنی در ارزشیابی از میزان یادگیری بی‌سوادان، ناتوانایی بی‌سوادان در تکلم به زبان فارسی، عدم رغبت برخی از بی‌سوادان به یادگیری زبان فارسی، عدم توجه به نیازهای آنی بی‌سوادان، عدم امکان انتقال محتوای دوره‌های آموزشی به زندگی واقعی بی‌سوادان، طولانی‌مدت بودن مطالب مورد تدریس در دوره‌ها، جزء علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی است. بررسی نتایج مربوط به سؤال دوم پژوهش نشان می‌دهد که یافته‌های مربوط به علل زمینه‌ای، سازمانی و آموزشی عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور با پژوهش‌های



مدحت (۱۳۷۳)، محمدقلی (۱۳۸۳)، محمودی (۱۳۷۹)، سیدی‌تمک (۱۳۸۴)، جعفری (۱۳۸۳)، لارسون و میلانا (۲۰۰۶)، لیندا و جساپ (۲۰۰۰) و اسکانلن (۱۹۸۶) همسو می‌باشد و نتایج پژوهش‌های آنها را تأیید می‌کند.

با توجه به شناسایی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی، در یک جمع‌بندی کلی، مشکلات و مسائل سوادآموزی کشور را می‌توان در دو دسته به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

۱. مشکلات و موانعی که سازمان نهضت سوادآموزی از گذشته با آنها مواجه بوده و با وجود ارائه برخی تمهیدات، هنوز این مشکلات مرتفع نشده است. این مشکلات را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) مشکلات مرتبط با بی‌سوادان؛ این گستره مشتمل است بر مواردی چون: فقر مالی خانوار، کم‌انگیزه بوده بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی، خانواده‌های پرجمعیت و مشکلات فرزندپروری، خصوصیات فرهنگی-اجتماعی و اعمال برخی محدودیت‌ها در برخی از مناطق و تبعیض‌های جنسیتی نسبت به زنان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی، مشغله کاری و مسئولیت‌های شغلی، احساس ناتوانی در یادگیری مطالب، تسلط نداشتن به زبان فارسی و پراکندگی جغرافیایی بی‌سوادان در برخی از مناطق کشور.

ب) مشکلات مرتبط با سازمان نهضت سوادآموزی؛ این موارد عبارتند از: عدم انطباق محتوای کتاب‌های نهضت سوادآموزی با نیازهای واقعی و کاربردی سوادآموزان، عدم توجه به نیازهای استانی، منطقه‌ای و اقلیت‌های قومی، نبود امکانات آموزشی و کمک‌آموزشی مناسب، سیاست‌گذاری متمرکز آموزش بزرگسالان در کشور، محدودیت مالی و اعتباری برای انجام فعالیت‌ها و وجود قوانین و مقررات محدود کننده اداری - سازمانی.

۲. مشکلات جدید که بعد از ادغام نهضت در آموزش و پرورش و واگذاری امر سوادآموزی به افراد حقیقی و حقوقی در نظام فرد به فرد ایجاد شده است. مهم‌ترین این موارد عبارتند از: مشکلات مرتبط با سامانه سوادآموزی، تعویق در پرداخت حق الزحمه آموزش‌دهنده‌ها، عدم نظارت پیگیرانه از فرایند برگزاری دوره‌ها، فاقد ضمانت اجرایی بودن توافق‌نامه‌های همکاری که بین نهضت سوادآموزی و سازمان‌های مرتبط به تصویب می‌رسند و کم‌رغبت بودن آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده مرد جهت همکاری با نهضت. با عنایت به مطالب پیش‌گفته، این مقاله تلاش کرد تا علل عدم استقبال بی‌سوادان



از برنامه‌های سوادآموزی را در کشور بررسی کند. در پایان با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی برای مرتفع کردن مشکلات و مسائل سوادآموزی کشور به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود در برخی از مناطق روستایی و شهری در کنار کتب اصلی، جزوه یا منبعی مرتبط با فرهنگ و عرف آن منطقه تألیف و تدریس شود تا سوادآموزان با استقبال و رغبت بیشتر در کلاس‌ها شرکت کنند.

- پیشنهاد می‌شود به منزلهٔ پایش یکپارچهٔ سواد در سراسر کشور، در راستای هماهنگی و همکاری‌های بین بخشی برای شناسایی و تحت پوشش قرار دادن کلیهٔ افراد نیازمند سواد در سطوح مختلف سوادآموزی، تمهیدی اندیشیده شود تا یک واحد یا پست سازمانی با نام «مسئول آموزش بزرگسالان» در تمام سازمان‌هایی که مخاطبان آن را افراد بزرگسال تشکیل می‌دهند ایجاد شود.

- رایزنی در راستای تصویب قانونی برای همکاری تمام سازمانها. شواهد گواه آن است که تا زمانی که افراد بی‌سواد فقط تحت پوشش و پایش سازمان نهضت سوادآموزی باشند، ریشه‌کنی یا به حداقل رساندن نرخ بی‌سوادی غیرممکن می‌نماید. بنابر این بر مبنای این تمهید باید کلیهٔ سازمان‌هایی که به نوعی مخاطبان آن را افراد بزرگسال تشکیل می‌دهند، درگیر فرایند سواد و سوادآموزی شوند.

- آموزش بزرگسالان در شرایط کنونی به صورت متمرکز سیاست‌گذاری می‌شود و پاسخگوی نیازهای محلی و منطقه‌ای و استانی نیست. بنابر این، باید با توجه به نیازهای محلی، منطقه‌ای و استانی، به مراکز استان‌ها جهت تهیه و تدوین محتوای کتب بر اساس نیازهای بومی و منطقه‌ای و در نظر گرفتن نیازهای اقلیت‌ها، اختیارات لازم تفویض شود. - بررسی اسناد و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که همواره دست به گریبان نهضت بوده، ناهمخوانی و مسائل مرتبط با آمار بی‌سوادان است. بنابر این، بسیار ضروری است تا پایش و آمارگیری فنی و تخصصی سواد در سطح کشور در راستای برنامه‌ریزی یکپارچه و منسجم انجام شود.

- غنی‌سازی محتوای کتب سوادآموزی بر اساس الزامات و نیازمندی‌های جامعه؛ بررسی‌ها و تجربیات نهضت سوادآموزی نشان می‌دهد سوادآموزی منجر به خواندن، نوشتن و حساب کردن، موجب بروز پدیدهٔ بازگشت مجدد به بی‌سوادی، کاهش



رغبت بی‌سوادان برای حضور در کلاس‌های سوادآموزی و ترک کلاس قبل از پایان دوره می‌شود (جعفری، ۱۳۸۳). بنابر این، باید کتب سوادآموزی بر مبنای نیازهای عمومی و اختصاصی بی‌سوادان بر اساس جغرافیای کشور مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.

منابع

- انصاری، منیر (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر شرکت نکردن بزرگسالان بی‌سواد در کلاس‌های سوادآموزی مجری. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- جعفری، آیت‌الله (۱۳۸۳). بررسی روش‌های ارتقای بهره‌وری آموزش در آموزش‌های بزرگسالان. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- سازمان نهضت سوادآموزی کشور (۱۳۸۹). برنامه پنج‌ساله سوادآموزی، باسوادی گروه سنی ۱۰ الی ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- سازمان نهضت سوادآموزی کشور (۱۳۹۰). سالنامه آماری نهضت سوادآموزی، تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- سیدی‌تمک، اسماعیل (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر درون‌سازمانی رجعت به بی‌سوادی فراگیران دوره تکمیلی نهضت سوادآموزی در استان گلستان از دیدگاه آموزشیاران و فراگیران. سازمان آموزش و پرورش استان گلستان.
- صادق‌پور، ابراهیم (۱۳۷۹). بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از کلاس‌های سوادآموزی مقدماتی از دیدگاه آموزشیاران نهضت سوادآموزی شرق تهران. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- محمدقلی، جواد (۱۳۸۳). بررسی راه‌های ایجاد انگیزه مطالعه بعد از کلاس در سوادآموزان دوره‌های مقدماتی شهرستان‌های استان تهران. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- محمودی، محمود (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر عدم شرکت بزرگسالان بی‌سواد در کلاس‌های سوادآموزی شهرستان درگز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مدحت، علیرضا (۱۳۷۳). بررسی و مطالعه میزان و علل رجعت به بی‌سوادی در سوادآموزان مراکز تولیدی، صنعتی استان تهران. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی کشور.
- Beder, H. (1990). "Reaching ABE Students: Lessons from the Iowa Studies". *Adult Literacy and Basic Education*, 14 (1).
- Boudard, E. & K. Rubenson (2003). "Revisiting Major Determinants of Participation in Adult Education with a Direct Measure of Literacy Skills". *International Journal of Educational Research*, 39 (3).
- Collins, P.M. (2011). *Motives for and Barriers to Participation in Postsecondary Educational Attainment in Northern Wisconsin*. Doctoral Dissertation. University of Wisconsin-Stout.
- Comings, J.P.; A. Parrella & L. Soricone (1999). *Persistence among Adult Basic Education Students*. in Pre-GED Classes.



- Cross, K.P. (1981). **Adults as Learners**. Increasing Participation and Facilitating Learning.
- Fagan, W.T. (1991). **Understanding Learner Participation in Adult Literacy Programs**.
- Fisher, J.C. (1983). **“What Turns Older Adults on to Education”**. Research Describing Participation in Educational Activities by Active Older Adults.
- Gvaramadze, I. (2007). **“Adult Participation in Lifelong Learning”**. International Journal of Learning, 14 (5).
- Hayes, E.R. (1988). **“A Typology of Low-Literate Adults Based on Perceptions of Deterrents to Participation in Adult Basic Education”**. Adult Education Quarterly, 39 (1).
- Jacob, H.V. (2004). **Barriers to Participation in Adult Basic Education and Training in the Sedibeng East and West Districts of the Gauteng Department of Education/ Matjeke**. Doctoral Dissertation. North-West University.
- Kerka, S. (1986). **Deterrents to Participation in Adult Education**. Overview. ERIC Digest, No. 59.
- Larson, A. & M. Milana (2006). **Barriers towards Participation in Adult Education and Training**.
- Linda, L. & K. Jessup (2010). **Barriers to Youth in Acquiring Literacy Assistance**. Funded by the National Literacy Secretariat Human Resources Development Government of Canada.
- Martindale, C.J. & J.B. Drake (1989). **Factor Structure of Deterrents to Participation in off-duty Adult Education Programs**. Adult Education Quarterly, 39 (2).
- Nana (2010). **Identifying and Reducing Barriers to Participation in Adult Literacy and Numeracy Tuition**. The National Adult Literacy Agency.
- Ontario, Ministry of Education (2004). **Literacy for Learning**. The Report of the Expert Panel on Literacy in Grades 4 to 6 in Ontario.
- Scanlan, C.L. (1986). **Deterrents to Participation: An Adult Education Dilemma**. Information Series No. 308.
- UNESCO (2011). **Creating and Sustaining Literate Environments**. Asia and Pacific Regional Bureau for Education.
- UNESCO (2008). **The Global Literacy Challenge**. A Profile of Youth and Adult Literacy at the Mid-Point of the United Nations Literacy Decade 20032012-.
- Valentine, T. & G.G. Darken Wald (1990). **“Deterrents to Participation in Adult Education: Profiles of Potential Learners”**. Adult Education Quarterly, 41 (1).